

«گوی اژدها»

در شبکه تهران

پویانمایی سینمایی «گوی اژدها» باگویندگی ۱۸ نفر ازگویندگان گفتار فیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تامین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد. این سینمایی در گونه انیمیشن، اکشن و ماجراجویی محصول ژاپن در سال ۲۰۲۲، قرار است از شبکه پنج سیما پخش شود. مدیر دوبله این سینمایی بهروز علی محمدی است. رضا آفتابی، دانیال ایایی، ناهید امیریان، علی بیگ محمدی، ارسلان جولایی، امیر حکیمی، لادن سلطان پناه، ابوالفضل

شاه بهرامی، پریاشفیعیان، سعید شیخ زاده و ... صدایبچه‌های این اثر بوده‌اند. خلاصه روایت این اثر از این قرار است که فردی به نام مگنتا درصدد احیای ارتش روبان قرمز است تا قدرت را به دست گیرد، از سویی عده‌ای از غول ها و آدمیان در مقابل وی جبهه می‌گیرند و مانع راه‌اندازی این ارتش می‌شوند و هیولای ساخته دست او را نابود می‌کنند. انیمیشنی با داستانی کاملاً تخیلی و فانتزی که به دنیای ریات‌ها، ابرربات‌ها و غول‌ها



مجری مسابقه تلویزیونی «شصتادیا» علیرضا استادی

گفت‌وگوی «جام‌جم» با تهیه‌کننده و کارگردان فصل تازه برنامه شبکه تهران

احترام به حق حیات با «پریزاد»



جدال امید با یأس

پریزاد روایتی است از جدال عقل و نفس، توحید و شرک، امید و یأس، توکل و ترس در نجات مظلوم‌ترین، بی‌دفاع‌ترین و کوچک‌ترین انسان‌های عالم از مرگ و نابودی. هدف برنامه پریزاد فرهنگ‌سازی نجات جنین در کشور و آموزش شیوه گفت‌وگو برای انصراف خانواده‌های متمایل به سقط عمدی جنین است. در این میان مشاوره‌های ناچیان جنین در مورد ارزش و جایگاه جنین و حق حیات او، عواقب سقط عمدی جنین و کرامت مادرانگی و تمکین و رضایت به خواست الهی و اعتماد به خواست خدا و ایمان به حکمت و رزاقیت الهی نقش عمده‌ای در انصراف پدر و مادر در سقط عمدی جنین داشته است.

است که جنین را زیر چهار ماه انسان در نظر نمی‌گیرند که این کاملاً با تعالیم ما تعارض دارد. حتی امروزه علم هم ثابت می‌کند که از ابتدای تشکیل جنین، به اصطلاح نرم افزاری درونش هست که او را به سمت انسان شدن سوق می‌دهد. در حقیقت این نرم‌افزار انسانی است که ما به آن روح می‌گوییم، نظر ما بر این است کسی که خالق این جنین است و کسانی که علم‌شان به علم این خالق وصل است، صلاحیت این را دارند که در مورد حق حیات این جنین و روح داشتن آن صحبت کنند. همین قضیه باعث شده خیلی‌ها به خودشان این اجازه را بدهند که زیر چهار ماه جنین خودشان را سقط کنند. این در حالی است که دلایل علمی داریم حتی در هشت هفتگی بعد از لقاح، جنین به محرک‌هایی که به او وارد می‌شود، واکنش نشان می‌دهد.

مصباح می‌افزاید: طبق آیه ۳۲ سوره مائده «هر کس نفسی را احیا کند مثل آن است که همه بشریت را از مرگ نجات داده» و مظلومیت بزرگ جنین‌های بی پناه علت اصلی ورود ما به این قضیه شد. در واقع همین

کپ

قصه‌هایی که شبیه هم نیست

می‌کنیم. در آخر هر قسمت یک جشن تولد کوچک برای آن بچه می‌گیریم و از مادرش هم تقدیر می‌کنیم که با همه فراز و نشیب‌ها تصمیم گرفته است فرزندش را نگه‌دارد. همان‌طور که اشاره شد، برخی به‌عنوان تاجی سعی دارند این خانواده‌ها را از تصمیم‌شان منصرف کنند. محمدنیا در این‌باره توضیح می‌دهد: در برخی از قسمت‌ها با ناچ‌ها هم گفت‌وگو کردیم؛ یعنی هم با مادر خانواده و هم با کسی که او را منصرف کرده، صحبت کردیم که او چه گفته که نظرش عوض شده است؟! راضی‌کردن این خانواده‌ها برای این‌که مقابل

اینها را می‌بینیم و می‌فهمیم و می‌توانیم با آنها گفت‌وگو کنیم و به آنها کمک کنیم.

رضا محمدنیا، کارگردان این برنامه است که در فصل اول هم به‌عنوان کارگردان و نویسنده حضور داشت. او به جام‌جم می‌گوید: در برنامه سراغ خانواده‌هایی می‌رویم که بنا به هر دلیلی می‌خواستند فرزند خود را آگاهانه و عمدی سقط کنند که یا خانم نمی‌خواست یا آقا تمایلی نداشت. این کارگردان می‌پرسم در میان خانواده‌هایی که در این برنامه با آنان همراه شدید، خانواده‌ای بوده است که به‌دلیل فقر بخواهد جنینش را سقط کند؟ او پاسخ می‌دهد: فقر نبوده اما مشکلات اقتصادی به شکل معقول و روزمره بوده است، دلایل بسیار متنوعی را نشان دادیم. مثلاً یک نفر دو بچه دارد و با همسرش فعالیت داشته و فکر می‌کرده سومی مانع است. یکی دیگر نگران حرف مردم بود که ممکن است بگویند فلانی چهار بچه دارد، چه خیر است! در برنامه این خانواده‌ها می‌گویند چرا می‌خواستند سقط کنند و چه شد که منصرف شدند و حالا زندگی‌شان چه شکلی شده است. هم با خود خانواده صحبت می‌کنیم و هم از حال و هوای بچه و خانه‌شان مستند تولید

می‌کنیم و هم از حال و هوای بچه و خانه‌شان مستند تولید

تازه‌ها

علیرضا استادی «شصتادیا» همراه شد

علیرضا استادی، بازیگر سینما و تلویزیون به‌عنوان مجری مسابقه تلویزیونی «شصتادیا» انتخاب شد. برنامه تلویزیونی شصتادیا در قالب یک مسابقه رقابتی مهیج به‌زودی با اجرای علیرضا استادی، بازیگر سینما و تلویزیون روی آنتن شبکه دوی سیما می‌رود. شصتادیا برنامه‌ای است که در

قالب یک مسابقه تلویزیونی، به رقابت بین متولدین دهه ۶۰ و دهه ۸۰ می‌پردازد. مسابقه تلویزیونی شصتادیا به تهیه‌کنندگی سیدهاشم موسوی و کارگردانی علی فراهانی اصل قرار است در صد قسمت روی آنتن شبکه دوی سیما برود و به‌زودی وارد فاز تولید می‌شود. متقاضیان برای شرکت در این مسابقه رقابتی، می‌توانند مشخصات فردی خود را به شماره ۰۹۹۳۷۹۴۱۷۵ پیام‌کند. متولدین دهه ۶۰ گروه سنی خاصی در ایران هستند که به‌خاطر تولد در دهه پرمجاری ۶۰ که سال‌های زیادی از آن همراه با جنگ تحمیلی بود، همواره در بسیاری از گفت‌وگوها و بررسی‌های تاریخی و اجتماعی کشور درباره‌شان صحبت می‌شود. از سوی دیگر دهه هشتادی‌ها که جوانان امروز هستند معمولاً در گفت‌وگوهای عامه در موردشان گفته می‌شود که تفاوت زیادی با نسل قبل دارند. این‌که در این مسابقه این دو گروه سنی کنار هم قرار گرفتند، اتفاق جالبی را رقم خواهد زد.

موج

داستان‌های شگفت

شنیدنی می‌شود

رادیو صبا به مناسبت سالروز شهادت آیت‌ا... سید عبدالحسین دستغیب در برنامه مستند «ماجره» به بررسی کتاب داستان‌های شگفت می‌پردازد.

ماجرای عنوان یکی از برنامه‌های رادیو صباست که در قالب مستند گزارشی به بررسی دلایل شهرت افراد و ماجراهای معروف می‌پردازد. این برنامه با شعار پیش از باور جست‌وجو کنیم، به بررسی دلایل شهرت و محبوبیت فرهیختگان و بزرگان ایران زمین می‌پردازد. این برنامه فردا (۲۰ آذر) به مناسبت سالروز شهادت آیت‌ا... دستغیب ساعت ۱۰و۳۰ دقیقه راهی آنتن می‌شود.

انسیه شمس‌اللهی تهیه‌کننده این برنامه گفت: در مجاری روز دوشنبه به بهانه کتاب داستان‌های شگفت شهید دستغیب که در واقع داستان‌هایی بر اساس واقعیت است،

سراغ نقد و بررسی این کتاب می‌رویم.

در کتاب داستان‌های شگفت، روایت‌هایی از عنایات معصومین علیه‌السلام و کرامات ایشان به افراد نیازمند از شفا دادن و دستگیری در بیابان و داستان‌های عبرت‌آموز دیگری آورده شده‌است. وی افزود: در این قسمت ماجرا درباره ادبیات تعلیمی و داستان‌هایی که بر اساس واقعیت است، صحبت می‌کنیم و از جنبه‌های مختلف به بررسی ویژگی‌های اثرگذاری این گونه داستان‌ها می‌پردازیم.

می‌خواهید در حوزه عفاف و حجاب صحبت کنید. هر چند همین هم لازم است. ولی ما از پیامبرمان حدیث داریم که بزرگ‌ترین گناه بعد از شرک به خدا، کشتن فرزند است، آن هم به این علت که ممکن است بیاید و در لقمه من شریک شود. نیاز است که ما گفتمان سازی کنیم و در این حوزه آگاهی سازی و روشنگری داشته باشیم. لازم است مظلومیت این موجودات به گوش پدرها و مادران شان برسد.

مصباح ادامه می‌دهد: برای مادر لازم است جا بیفتد همین که باردار است، کرامت مادرانگی ویژه‌ای دارد. صبح‌ها اجر روزه‌دار و شب‌ها اجر شب‌زنده‌دار دارد. مقامش به شهادت نزدیک است و زایمان هم که می‌کند همه گناهانش پاک می‌شود. هر بار هم که شیر می‌دهد اجر آزاد کردن یکی از فرزندان حضرت اسماعیل را دارد. فکر کنید مادر با این قابلیت، شأن، عظمت و شکوه با این وسوسه‌ها به حدی می‌رسد که انتخاب می‌کند خون بچه خودش را بریزد.

وی در بخش دیگری از این گفت‌وگو عنوان می‌کند: ما از خالق خودمان نامه‌ای به نام قرآن کریم داریم. یعنی خالق ما برای همه پیام فرستاده و در این نامه اشاره کرده است فرزندان خود را از ترس گرسنگی نکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم. بجد می‌توانم بگویم در این چند سالی که کار مشاوره داشتیم به این نتیجه رسیدیم که جنین پایش را به زندگی نمی‌گذارد، مگر این‌که با با قدمش قرار است درهایی از رحمت الهی باز شود یا بلایی درود شود یا گره‌ای از آن خانواده باز شود.

وی می‌گوید: از نظر ما علت اللعل سقط عمدی جنین در کشور ما سه محور اصلی جنگ روانی شیطان است. این سه محور اصلی یکی اش ناامیدی ویاس از آینده است که متأسفانه هم شیطان و هم رسانه‌هایی که دستور کارشان را از دشمنان ما می‌گیرند، به‌شدت بر آن پافشاری می‌کنند بر این‌که مردم ما را به نقطه ناامیدی برسانند. ترس از تمسخر و سرزنش دیگران در رتبه‌های بعدی می‌تواند موثر و تعیین‌کننده باشد. ما تا به‌حال با مادری مواجه نشده‌ایم که سقط عمدی کند و

از کارش راضی باشد. مراجعان بسیاری در فضای مجازی داریم که می‌فگند ای کاش مطالبی را که شما در کانال‌تان می‌گذارید چند سال قبل می‌دیدیم. چقدر خوب است که رسانه ملی خودش رسانه این جنین‌های بی‌دفاع، بی‌کلام و بی‌پناه باشد؛ جنین‌هایی که جز رحم مادر، پناهگاهی ندارند. این واقعاً از فرهنگ غنی ما به دور است. ما مهمان ناخوانده را تکریم می‌کنیم چه برسد به این‌که آن مهمان ناخوانده از گوشه و خون خودمان باشد.

این تهیه‌کننده با ذکر مثالی در این‌باره توضیح می‌دهد: خانواده‌ای بودند که دو بچه شیر به شیر داشتند و خانم بچه سوم را باردار بود و با شرایطی که داشت، مادر نمی‌توانست ادامه بدهد و آقا اصرار داشت سقط کنند. اما مادر تمکین نکرد و خون بچه را نریخت. این بچه به دنیا آمد و یکی از فرزندان آن خانم سرطان داشت و نیاز به پیوند مغز استخوان پیدا کرد. تنها خون این بچه باعث نجات او شد و الان خودشان حکمت این بچه را فهمیده‌اند.

با خود می‌گوید نفس اش از جای گرم بلند می‌شود و نمی‌داند

ما چه می‌کنیم؛ اما وقتی خانواده‌ای که خودشان این مسیر را

گذرانده‌اند این حرف را می‌زنند، کلام‌شان نافذتر است.

نخ تسبیح داستان

او درباره بخش‌های مختلف برنامه نیز مطرح می‌کند: یک راوی داریم که نخ تسبیح داستان است. به فراخور بحث بخش کارشناسی هم داریم. خانم زبیا بنظران رزحت روایت را می‌کشد. شاید تفاوت ما با مستندهای دیگر این است به جای این‌که سراغ تریشن برویم، مجری در قالب پلاتو، بازی و روایت در تصویر دیده می‌شود. راوی صحبت می‌کند و سپس مستند را می‌بینیم بعد برمی‌گردیم و فراز دیگری از قصه را باز می‌کنند و تا پایان برنامه این رفت‌وآمدها ادامه دارد. به گفته محمدنیا، در این برنامه کارشناسانی از حوزه‌های روان‌شناسی، اخلاق پزشکی و ... حضور دارند که در راستای قصه‌ای که در آن قسمت طرح می‌شود، صحبت می‌کنند.

قرار دارد حرف برتیم

جام جم

رسانه

MEDIA

دوشنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۲ ۶۶۵۵ شماره

تولید

روایتگری کودک

به شیوه قصه‌های کهن

سپیده‌اشرفی
آرکوه رسانه

خیلی‌های مان در دهه‌های ۶۰ و ۷۰، پای قصه‌گویی آقای حکایتی و آن بچه‌های اطرافش نشستیم. آقای حکایتی با آن شالی که بر گردن داشت و کتاب قصه بزرگی که در دستش بود، انگار از ناگفته‌های می‌گفت و دل خیلی‌های مان لای برگ به برگ آن کتاب بزرگ می‌ماند. روایتگری برای کودکان، همین قدر دقیق و عمیق، بر جان این گروه سنی می‌نشیند و اصلاً از همین جاست که اهمیت آن دوچندان می‌شود. اهمیت تولید یک محتوای درست و شایسته برای حوزه کودک و پروداختن به قصه‌های کهن تاریخی، چیزی است که در برنامه یکی بود یکی نبود به‌وضوح دیده می‌شود. این مجموعه که حالا در تدارک تولید و آماده کردن فصل دوم است، تلاش کرده در فصل تازه خود، استعداد کودکان را براساس قصه‌های کهن ایرانی شناسایی کند. شهرام قدیری، تهیه‌کننده و کارگردان یکی بود یکی نبود درباره جزئیات فصل تازه این مجموعه به جام جم می‌گوید: به‌تازگی دیدم که یک موزیک ویدئوی مبتدل در آن طرف تولید و پخش شد که اصلاً مناسب کودکان نبود. به همین دلیل ذهنم درگیر شد و تمام تلاشم را کردم تا یک محتوای موسیقایی درست تهیه کنم. باید این خبر را بدهم که قصد داریم برای فصل دوم یکی بود یکی نبود، ویدئویی سه دقیقه‌ای تولید کنیم که برای تینتراز و بخش میانی برنامه خواهد بود. این کلیپ تلاش می‌کند یک محتوای کاملاً اخلاقی را برای بچه‌ها روایت کند.



قدیری ادامه می‌دهد: در این ویدئو محمد مسلمی به‌عنوان یکی از عمو فیثلیه‌ای‌ها و راوی یکی بود یکی نبود، به همراه همه ۱۲۰ کودک برگزیده برای بازی در فصل دوم، موسیقی را اجرا می‌کنند. فضای کلیپ شاد و سرگرم‌کننده است و ماهی و بره‌های قصه‌های یکی بود یکی نبود هم در قامت تیم گر حضور دارند. این تهیه‌کننده و کارگردان با اشاره به بازخوردهای مثبتی که از فصل قبل گرفته، بیان می‌کند: ما حتی روی پارچه لباس بچه‌ها هم حساس بودیم و گاهی پارچه با طرح و شعر مورد نظر خودمان که خط و ربطی به فضای اشعار کهن نداشته باشد را چاپ می‌کردیم و بعد لباس‌ها را می‌دوختیم.

به گزارش جام‌جم، سریال تلویزیونی پرمخاطب «یکی بود یکی نبود» به‌منظور کشف و پرورش استعداد کودکان براساس قصه‌های کهن ایرانی تولید می‌شود تا برای نخستین بار استعدادیابی بازیگری کودکان و نوجوانان در قالب نمایش خلاق انجام شود. این مجموعه براساس قصه‌های اصیل و پرمعنای ادبیات فارسی تولید می‌شود و توانسته با بهره‌گیری از استعدادها و توانمندی فرزندان مستعد ایران، راوی قصه‌ها و شخصیت‌های داستان باشد. تولید این مجموعه همچنان ادامه دارد و در حال حاضر قصه‌های جذاب دیگری در حال پرداخت است. تهیه‌کننده و کارگردانی سریال نمایشی «یکی بود یکی نبود» به‌عده شهرام قدیری و محمد مسلمی راوی و قصه‌گوی این مجموعه است.

قدیری با اشاره به هدف توجه به ادبیات کهن و قصه‌های ایرانی، به این نکته هم اشاره می‌کند که برخی از ایرانیان خارج از کشور و حتی کودکان در داخل کشور با مضامین قصه‌های کهن ایرانی فاصله گرفته‌اند و قصه‌گویی در حال کمرنگ شدن است و حتی مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها هم به‌واسطه زندگی ماشینی امروز، کمتر برای بچه‌ها قصه تعریف می‌کنند. برای همین این برنامه طراحی شد که قصه‌های کهن ایرانی در قالب نمایش از قاب تلویزیون پخش شود که البته این بار یک رویکرد متفاوتی انتخاب شده است.

خاطرات کاغذی

کارآگاه کوآلا

مریم فلاح: ماجراها در جزیره‌ای دورافتاده به‌نام «راستپو»

می‌گذشت که ساکنانش کوآلاها و گورکن‌های انسان‌نما بودند.

در این جزیره هر اتفاق معماگونه‌ای که می‌افتاد از کارآگاه کوآلا کمک

خواسته می‌شد: یک کوآلای باهوش، مدبر و مبور که قادر به حل

همه اسرار بود. مسائل و مشکلات سخت و عجیب برای کارآگاه کوآلا

لایحل نبود، برای همین اهالی جزیره همیشه به او اعتماد داشتند.

کارآگاه، شخصیت شوخ‌طبعی داشت و منطق و هوشیاری از سلاح‌های

مورد علاقه‌اش بود. همیشه او را با کت وشلوار قهوه‌ای‌رنگی

با نقش چارخونه درشت می‌دیدیم و دوچرخه‌ای که به‌وسیله آن

به ساکنان جزیره سر می‌زد. سایر ساکنان جزیره عبارت بودند از:

همسر کارآگاه کوآلا با نام «آگاتا» که نویسنده بود و شخصیت‌های

عجیبی مانند شهرداری عصبی، مخترعی

ناامید، نقاشی خودپسند، ماهیگیر تنبل،

یک راس‌نیز کج خلق، خواننده اپرا، گل فروش،

ادیسون مخترع، ماری که معمار و نقاش بود،

روزنامه‌نگاری به‌نام سالیوان، جولی که

ستاره شناس و معلم بود و



کیواندراسکن کنید